نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال نوزدهم، شماره ۵۴، پاییز ۹۸

جستاری بر کاربست دیدگاه ساکنان در تدوین مدل محله ماندگار ایرانی روزآمد به روش نظریه زمینه ای(مطالعه موردی: محله های عودلاجان، فهادان، جلفا، نارمک و اکباتان)

دریافت مقاله: ۹۶/۱۰/۱۴ **پذیرش نهایی:** ۹۷/۳/۱۷

صفحات: ۱۲۳-۱۰۳

انسیه گوهری نسب: دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاداسلامی، نجف‌آباد، ایران.
Email: Ensie.goharinasab@gmail.com
حسین ذبیحی: دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
دانشیار گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران[۱].
Email: h.Zabihi@srbiau.ac.ir.com
شیرین طغیانی: استادیار گروه شهرسازی،دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
Email: Toghyani.shirin@gmail.com

چکیده

امروزه به دلیل تحول شکل زندگی و رواج کمیت گرایی به تدریج مفاهیم کیفی و معنایی روح محله بودن در ذهن ساکنان کم رنگ شده است. با بهنگام سازی نشدن زیرساخت ها که ناشی از عدم حضور جامعه محلی در فرآیند شناخت مشکلات و برآورد صحیح نیازهای خود می باشد. شکافی ناگهانی میان کارایی محله ها و نیازهای ساکنان ایجاد و محله ها را به سوی ناکارآمدی سوق داده است. در حالیکه برخی محله های مدرن که در مدت زمانی کوتاه به صورت برنامه ریزی شده ایجاد شده اند. فرآیندی بالعکس محله های سنتی را در حال طی کردن هستند. پرسش اصلی این است که معیارهای یک محله ماندگار ایرانی روزآمد، از دیدگاه ساکنان اصلی کدامند؟ هدف پژوهش، تدوین مدل مفهومی محله ماندگار ایرانی روزآمد بر اساس دیدگاه ساکنان بوده است. این مطالعه تحلیلی- کیفی با استفاده از روش نظریه زمینه ای- تهیه نقشه تحلیل موقعیت بود. در گردآوری داده ها از تکنیک های متعددی مانند، بررسی متون و اسناد ، مصاحبه با ساکنان و مشاهده میدانی استفاده شده است. به این منظور به روش نمونه‌گیری هدفمند(۵ محله متفاوت) با حجم جامعه آماری ۸۶ نفر (در هر محله نمونه گیری متوالی متواتر بین ۱۲ تا ۲۰ نفر) از ساکنان اصلی، داده ها گردآوری شده اند. نتایج نشان داد، محله از دیدگاه ساکنان، فارغ از مفاهیم وسیع تعریف شده از دیدگاه صلب نخبه گرایانه، بیشتر در پارامترهای غیر کالبدی و ذهنی ساده (مفاهیمی از قبیل: دسترسی به خدمات و امکانات، همدلی اهالی، امنیت، آرامش، اصالت، آسایش، رفاه و ...) نمود می یابد. پس از این مرحله داده ها و مفاهیم کدگذاری شده اند. در نهایت، مدل مفهومی بنیادی برآمده از داده ها به صورت نقشه تحلیل موقعیت شکل گرفت. پایایی مدل با

---

۱. **نویسنده مسئول:** تهران، انتهای بلوار شهید ستاری، میدان دانشگاه، بلوار شهدای حصارک، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

پاسخگویی به سوالات استراس و کوربین دربارهٔ تجربه در مطالعه، مورد ارزیابی قرار گرفته است.

کلید واژگان: محله ایرانی، ماندگاری، روزآمدسازی، روش نظریه زمینه‌ای، عودلاجان، فهادان، جلفا، نارمک، اکباتان.

مقدمه

جامعه محلی امن و واجد هویت اجتماعی ایرانی که روزگاری مبتنی بر محله های همگن از لحاظ اجتماعی، مطابق با اشتراکات قومی و قبیله ای ، مذهبی و غیره شکل می گرفت. در دهه های اخیر، بر اثر تقسیمات جغرافیایی که اغلب مبتنی بر مداخله در شبکه ی معابر ارگانیک ایجاد شده است. محله های قدیمی ای که طی فرآیندی طولانی و آرام در پاسخگویی به نیازهای ساکنانشان هوشمندانه به وجود آمده اند و توانسته اند ارزشمند ترین ارتباطات را بین انسان و محیط زندگی اش ایجاد کنند(تلخابی و همکاران،۱۳۹۵؛۷۲). از زمانی که خودروها به شهرها هجوم آوردند، مقیاس های فضاهای همگانی را منهدم کردند و دانش سنتی در مورد مقیاس انسانی مطلوب، مفقود یا فراموش شد(گل و سوار،۱۳۹۴: ۴۳). نگاه گسسته و منطق زونینگ حاکم بر رویکردهای نوگرا وحدت و انسجام سلسه مراتبی در شهرها و محله ها را بر هم زده است. امروزه به دلیل تحول شکل زندگی و رواج کمیت گرایی، جاماندگی زمانی، مکانی و فضایی از شبکه های اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی به تدریج مفاهیم کیفی و معنایی محله ها کاهش یافته است. با تغییر روش های معیشتی و پیامدهای ناشی از آن، گسست کالبدی و فرهنگی محله ها و در نتیجه عدم پاسخگویی به نیاز ساکنین ، دچار ناکارآمدی عملکردی محلات شهری شد (میبدی و پورمحمدی،۱۳۹۵: ۲۴۹). کم رنگ شدن تعاملات درون محله ای و حس همسایگی منجر به ایجاد شکاف محلی شده است. برنامه ریزی های به دور از در نظر گرفتن نیازهای جامعه محلی نیز منجر به ناکارآمدی زیرساخت های محله ای در برآورده کردن نیازهای کنونی ساکنان شد و بدین ترتیب محله هایی که از قافله ی بهنگام سازی مطابق نیازهای روز جامعه شان جا مانده اند. به تدریج تداوم سکونت و ماندگاری ساکنان در محله ها کاهش یافته و دچار افول و مرگ محله ای شدند. بنابراین، اگرچه جمعیت و کمیت مبنایی برای استخراج شاخص های روزآمدسازی محله است اما بدون توجه به مفاهیم کیفی - معنایی محله و مباحث تغییرپذیری نمی توان به برآورد صحیحی از نیازهای ساکنان واقعی محله دست یافت. . آنچه به عنوان ماندگاری در شهرسازی در پی آن هستیم، داشتن یک محله زنده و پویا است که منحصر به زمان خاصی نیست، بلکه در تاریخ ماندگار و جاودانه است. همه موارد فوق لزوم تدوین مدلی کارآمد در طراحی محله ی ماندگار ایرانی روزآمد را دوچندان می نماید.

پرسش اصلی این است که معیارهای یک محله ماندگار ایرانی روزآمد، از دیدگاه ساکنان اصلی کدامند؟ هدف پژوهش، تدوین مدل مفهومی محله ماندگار ایرانی روزآمد بر اساس دیدگاه ساکنان است.

این مطالعه تحلیلی- کیفی به روش نظریه زمینه ای انجام گرفته است. نظریه برآمده از دل داده ها، علاوه بر ارائه به صورت یک داستان، در نقشه تحلیل موقعیت به صورت مدل مفهومی محله ماندگار ایرانی روزآمد به منظور برقراری ارتباط پیوند بین چهار معیار: کارایی، مانایی، پویایی و تداوم ترسیم می شود. این پژوهش به هیچ وجه ادعایی در تعمیم نتایج این پژوهش برای کل محله‌های ایرانی ندارد. بلکه مورد پژوهشی‌ای است با هدف ارائه مدل محله ماندگار ایرانی روزآمد، این مدل به عنوان یک چک لیست سنجش میزان ماندگاری و روزآمدی محله

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

می تواند به کار گرفته شود. تحلیل مصاحبه ها و امتیازدهی چک لیست، نشان می دهد، صرف حفظ کالبدی بافت محله و یا تکرار کهن الگوها، دلیل بر ماندگاری و زنده بودن بنا نخواهد بود. ماندگاری بدون روزآمدسازی ممکن نخواهد بود. تحول سبک زندگی کنونی منافاتی با ماندگاری و روزآمدی محله ندارد، هر قدر هم سبک زندگی متفاوت و متحول شود، راهکار آن بیرون از پشتوانه های اطلاعاتی زندگی روزمره جامعه انسانی قابل ترسیم نخواهد بود.

با نگاهی بر پیشینه و بررسی متون و اسناد نشان می دهد مبحثی با عنوان مدل محله ی ماندگار ایرانی روزآمد وجود ندارد. مبحث ماندگاری در شهرسازی معاصر، به دنبال توجه به روند پیوسته ی تغییر و نو شدن شهرها از دوران کهن به دوره معاصر است(دایموند و همکاران ، ۱۳۹۳). کیفیتی که با حفظ اصول و ارزش‌های گذشته و تحلیل ویژگی‌های خلق فضاهای ماندگار امکان‌پذیر است(شفیعیان داریانی و همکاران، ۱۳۹۳). برای تدوین مدل، بررسی پیشینه‌ی تحقیق در سه حوزه محله، ماندگاری و روزآمدسازی ضرورت می‌یابد.

از دیدگاه نظریه‌پردازان ایرانی کلیدی ترین معیارهای شکل گیری محله ایرانی عبارتند از: الگوی شکل گیری ارگانیک، مرکزیت متاثر از ارزش های فرهنگی و معنوی، سلسله مراتب، خودبسندگی، قلمرو، هم پیوندی، مدیریت محله ای و همبستگی اجتماعی (ثقه الاسلامی و امین زاده،۱۳۹۲: ۴۱). در حالیکه بررسی پیشینه محله در ایران نشان دهنده آن است که با نفوذ فرهنگ شهرسازی غرب نقش مهم اجتماعی- کالبدی خود را از دست داده است. شهر و محلاتی که با تنوع فرهنگ و سلایق شهروندان، فارغ از برنامه ریزی دو بعدی طرح جامع و تفصیلی ، فضای زندگی و رشد ساکنین بوده است هم اکنون در چارچوب الگوی تقلیدی تعیین سرانه و کاربری طرح های جامع و تفصیلی -که با غفلت از مبانی نظری اصیل اسلامی و سبک زندگی ایرانی و سلامت شهروندان را با مخاطره روبرو نموده است(هاشمی،۱۳۹۵ :۳۵). نتایج به دست آمده از تقلید مدل های غربی در شهرهای اسلامی، عبارتند از: از دست دادن حس مکان، بی تعلّقی به مکان با بی هویّتی مکان سکونت و نادیده گرفتن فرهنگ انسان در شکل دهی به فضای زندگی، لزوم توجّه به شهرسازی بومی (ایرانی – اسلامی) در کنار استفاده از الگوهای جهانی پاسخگو با نیازها، کارآمد و سازگار با فرهنگ، نگرش ها ، ارزشها و ترجیح های بشر امروز نقشی اساسی دارد (حبیبی و روحانی،۱۳۹۴: ۱۵). یکی از پژوهش هایی که نگاهی متفاوت به محله دارد، مقاله ی باز تعریف مفاهیم محله و محله ی آرمانی از دید ساکنان کلان شهر تهران (محله های آریا شهر، تهرانپارس، امامزاده یحیی) است. این مقاله با رویکرد پدیدارشناسی از دید بخشی از ساکنان کلان شهر تهران مفهوم "محله" و "محله ی آرمانی" را باز تعریف می کند(ازکیا و محمدی ،۱۳۹۰).

در بحث ماندگاری، مقاله ی شفیعیان داریانی و همکاران (۱۳۹۳)، عوامل مؤثر بر معماری ماندگار را وجود عنصر معنی و معنویت، ، توجه به فرهنگ و استفاده از کهن الگوهای ماندگار و توانایی جذب مخاطب بیان نموده است. رساله گفتمانی تحلیلی در ماندگاری حسینیه ها به مثابه کنش پذیری عملکردی فضاهای عمومی شهری در بازتاب باورها و آیین های جمعی، عوامل موثر در ماندگاری حسینیه ها و تکایا را پشتوانه های فرهنگی، دینی ارزشی و حکومتی بیان می کند (مختاباد و همکاران،۱۳۹۰). ناسخیان (۱۳۹۲) در رساله ی دکتری با عنوان، بهسازی برای ماندگاری بافت قدیم اصفهان از طریق بررسی مولفه ها و دیدگاه های زیبایی شناختی، با نگاهی نو سعی به بازآفرینی مفاهیم مرمت و ماندگار نمودن بافت پرداخته است.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

در بررسی روزآمدسازی تجاربی از معاصر سازی و بازآفرینی شهری در مقیاس محله انجام شده است. با وجود بهره برداری کلیه دست اندرکاران نوسازی بافت های فرسوده از آموزه ها و تجارب گذشته ایران و سایر کشورها، فقدان یک مدل مفهومی که برخاسته از نظریه ای بومی باشد محسوس می نماید(عندلیب و ابراهیمی، ۱۳۹۷ :۶۸). قانون حمایت از بافت‌های ناکارآمد شهری، مصوب سال ۱۳۹۴، و تجارب دفاتر تسیلگری محله، رویکردی نزدیکتر به اهداف این پژوهش را دارا می باشند.

مبانی نظری

محله ایرانی

محله به عنوان مهمترین مقیاس سکونتی در ادبیات جهانی، دو واژه Neighbourhood و Township را می توان به منزله مفهوم محله ترجمه کرد. واژه اول، محله مسکونی و دارای هویت مشخص است، اما واژه دوم، به محدوده ای اطلاق می شود که علاوه بر بزرگی در اندازه، دارای فرصت های شغلی متفاوت است (پور سراجیان، ۱۳۹۴: ۴۱). محدوده یکپارچه فضایی از شهر با مرزهای کالبدی بنابر درک ذهنی و یا نشانه عینی برای ساکنانی که تعلق مکانی و همبستگی اجتماعی احساس می کنند. عوامل موثر در شناخت و تعریف محله، وجود کاربری های لازم برای پاسخگویی به نیازهای روزمره ساکنین با دسترسی پیاده، پیوندهای اجتماعی، مجاورت مکانی و سهولت دسترسی پیاده ساکنین از حاشیه به مرکز و نظایر آن می باشد (ماده ۲ دستورالعمل محله بندی و منطقه بندی شهری ۹۵/۱۱/۲۳). محله ها، هویت اجتماعی را برای واحدهای فضایی در شهر ایجاد می کنند(Rappaport, 2001:148). محله با ایجاد خودکفایی در زمینه تأمین خدمات مورد نیاز ساکنان، کاهش سفرهای شهری و پایداری اجتماعی و حس جامعه محلی و عدالت و برابری در محیط های شهری را باعث می‌گردد. بنابراین محله در قالب ویژگی عمده تعریف می شود: مفهوم کالبدی و عینی (مکانی جهت سکونت و ارائه ی خدمات و نیازهای اولیه ساکنان) و مفهوم معنایی و کیفی (ارتقاء دهنده ی تعاملات اجتماعی و ایجادکننده ی حس جامعه ی محلی) جدول (جدول(۱).

جدول(۱) ابعاد و معیارهای شکل گیری محله

ابعاد	معیار	زیر معیار	شاخص
عینی- کالبدی	خدماتی	سکونت	تنوع الگوی مسکن: تک خانوار، آپارتمانی، مجتمع
		ارائه خدمات تأمین نیازهای روزمره ساکنان	خرده فروشی ها، خرید روزانه -هفتگی
			سلمانی، خیاطی، تعمیر تأسیسات و لوازم خانگی، خشکشویی ، کلید سازی، الکتریکی
			طبّاخی، کبابی، قنادی، کافی شاپ، رستوران و ...
		خدمات و زیر ساخت- های شهری	بوستان محله ای
			واحد پزشکی مستقل: پزشک عمومی، تزریقات و پانسمان، داروخانه
	اجتماعی	واحد مذهبی	مسجد، حسینیه، سقّاخانه، بقاع متبرکه و ...
		آموزش	مدرسه ابتدایی
		موسسات عمومی	سالن اجتماعات، سرای محله، مراکز تجمّعات فرهنگی و عمومی، سالن نمایش، حمام،
		فراغت	اماکن ورزشی: زمین ورزشی، استخر، زمین بازی و...
کیفی-	ساماندهی فضایی- اجتماعی		حفظ انسجام اجتماعی

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

معنایی			برقراری نظارت اجتماعی
			هویت بخشی به اعضای محله
			خود مختاری و استقلال ساکنان
			رفاه و مشارکت
	فرهنگی		تفکیک فضایی گروه های اعتقادی متمایز
			یادگیری و توانمند سازی زنان و اقشار مختلف
	اداری	امنیت	تأمین امنیت و ایمنی، نظم در محله
		مدیریت	اداره امور محله و....

(مأخذ: جمع بندی نویسندگان از منابع)

روح محله و حس سکونت وجه تمایز موفقیت محله است و باعث احساس زنده بودن ، شادی و نشاط در خلق محله اصیل و ماندگار می شوند. اتخاذ سیاست الگوبرداری های اقتباسی محله ای، نشانگر بروز معضل از میان رفتن مفهوم حیات جمعی در این محلات است که نقش انکار ناپذیری در از بین رفتن حس تعلق و در ادامه از دست رفتن سرمایه اجتماعی در الگوی محله دارد(کامیار و همکاران،۱۳۹۶: ۱۵). حس مکان حسی مشترک از تاریخ محلی و جغرافیا که خود را در ترکیبی از غرور و تعهد به بهبود مکان نشان می دهد (رلف ،۲۰۰۷). شامای (۱۹۹۱)، تمایل به مراجعه یا عدم مراجعه، تداوم و پایداری حضور، بهره مندی از مکان و مشارکت در فعالیت های آن را ناشی از حس مکان بیان می کند و در مکان هایی یافت می شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز متأثر از فرهنگ هستند (نوربرگ شولتز،۲۰۰۰) . این حس، نقشی تعیین کننده در میزان جذب مخاطبان و انجام فعالیت در فضا دارد، عاملی که حیات یا مرگ فضا وابسته بدان است(فلاحت و همکاران،۱۳۹۶: ۱۶). حافظه شهر در واقع ذهنیت اصیلی است؛ که می تواند رویدادها و روایات را در مکان های خاص به یاد آورد؛ و به خاطر بسپارد و می تواند در تداوم آن نقش آفرینی کند (پرویزی و همکاران،۱۳۹۵: ۶۹). ارتباط معنادار و مثبت مدت زمان سکونت با فرآیند شکل گیری و توسعه تدریجی و مستمر هویت مکان در سایه پیوستگی، توالی و آن مورد تأکید قرار می گیرد(ارباب و همکاران،۱۳۹۳). فلذا، به کارگیری مفاهیم مکان سازی می تواند به عنوان مفهومی موثر در روشن شدن مفهوم محله ماندگار مورد استفاده قرار گیرد.

ماندگاری

در فرهنگ لغات فارسی ماندگار به معنای پایدار و ماندنی تعریف شده است(دهخدا ،۱۳۷۷). ماندگاری دارای دو بعد کالبدی و معنایی است(پاکزاد،۱۳۸۵ :۱۱۳). واژه یPersistence معادل انگلیسی نزدیکتری به مفهوم معنایی ماندگاری است. ماندگاری، پدیده تکامل یافتنی ای که از گذشته وجود داشته است و در زمان حال با بهره گیری از پتانسیل های گذشته و به روز رسانی خود ، سعی در تداوم حیات تا آینده را دارد. (شفیعیان داریانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۷). بیان پیرنیا از ماندگاری، اصولی چون مردمداری، پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی، همان کلیدواژه های جاودانگی یک اثر است(نقره کار،۱۳۸۸: ۴۱). جدول **جدول(۲)**.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

جدول(۲) ابعاد مفهوم ماندگاری از دیدگاه نظریه پردازان مختلف

نظریه پرداز	ابعاد ماندگاری	نظریه
الکساندر (۱۳۸۶)	ماندگاری، کیفیت بی نام	شناخت سبک زندگی انسان فضاهای زنده و جاودانه الگوهای برآمده از تاریخ و فرهنگ الگوهای مشترک فارغ از مکان الگوهای بی زمان
لینچ (۱۹۷۲)	ماندگاری از بعد زمان	تصور مناسبت نسبت به گذشت زمان کارایی عملیاتی مطلوبیت درونی
مودون(۱۹۸۷)	ماندگاری و تغییرات کالبدی در محلات مسکونی	الگوی مالکیت الگوی قطعه بندی تعداد مالکان
کارمونا و همکاران (۱۳۸۸)	کیفیت	حفظ سرزندگی فضا باز بودن انعطاف پذیری تنوع راحتی اجتماع محوری
نقره کار(۱۳۸۸)	ماندگاری و جاودانگی(کالبد)	صفات خداوند و معنویت طبیعت و محیط زیست سنت اقلیم و بوم

اشتراکات و تفاوت های معنایی مفاهیم ماندگاری، پایداری و تاب‌آوری

ماندگاری علیرغم شباهت های مفهومی نزدیکی که با پایداری و تاب آوری دارد. اما در خاستگاه پیدایش و اهداف خود متفاوت اند. پایداری جبران آسیب های ناشی از صنعتی شدن، بیشتر به تأمین آینده ای امن برای نسل‌های بعدی و همچنین استفاده از انرژی های تجدیدپذیر می پردازد که علاوه بر داشتن فناوری روز، حداقل دخالت را در چرخه اکوسیستم موجود داشته باشد(شفیعیان داریانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۷). و تاب‌آوری رویکردی برای بازگشت سیستم به ثبات بعد از بحران است. در حالیکه ماندگاری، کیفیتی ذهنی و معنایی است که با تکامل و تداوم خود نباید اجازه دهد که سیستم به مرحله ی بحران برسد. با افزایش تاب آوری اجتماعی محله و در نهایت ارتقای معیارهای کیفی معنایی یک محله ی ماندگار شکل خواهد گرفت. مانند مفهوم آیه ی شریفه ای که می فرماید: آنچه به نفع مردم است روی زمین می ماند. در ماندگاری مولفه هایی چون معنا و معنویت، اصالت و مباحث ارزشی اهمیت می یابند.

معنا، مؤلفه ای است که سبب ارزشمندی محیط، خاطره انگیزی و ایجاد هویت در فضا و مکان می گردد و مخاطب آن را درک می کند و ارتباط بین اجزای آن محیط و چگونگی شکل گیری فضا نمودی از مفاهیم و ارزش‌های یک جامعه است که می‌تواند در قالب فرم معمارانه بیان گردد (شفیعیان و همکاران،۱۳۹۳: ۳۸). از نظر هاشم پور(۱۳۹۵) ؛ معماری و شهرسازی اسلامی در حقیقت معنا نهفته شده و شکل و فرم می تواند برگرفته

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

از این معانی الهی باشددر آثار اسلامی که قرآن کریم و نهج البلاغه در راس آنها قرا می گیرند، اشاره به شکل و فرم فضا نمی شود بلکه به تاثیرگذاری، امنیت، انسان ساز و جامعه ساز بودن فضاها تاکید گردیده است. هدف از ایجاد شهر و خانه را، پناهگاهی امن و فضایی مطمئن در ایجاد آرامش و نظم اجتماعی قلمداد می کند. بطور مداوم به کیفیت زندگی بهتر نه ساختمان و یا شهری با شکل و فرمی آنچنانی تشویق کرده است. انگاره های معنوی می توانند تصور ذهنی به یاد ماندنی و مطبوعی را برای فرد رقم زنند و حس تعلق به محیط و فضا را در وی به وجود آورد. از این رو وجود معنای خاص و بالاخص انگاره های معنوی در هر پهنه، محیط و مجتمع زیستی می تواند زمینه ساز ماندگاری و جاودانگی محیط و فضا و بروز مکان ماندگار گردد. در واقع معنا و انگاره های معنوی آن به سبب تقویت روابط و تعاملات اجتماعی و همچنین عدم تکیه بر منافع شخصی و تأکید بر منافع عمومی و عناصر روحانی در نهایت به ارزش های جامعه توجه خواهند کرد و این موضوع عامل مهمی برای ماندگاری و جاودانگی مکان محسوب می شود. به این ترتیب مکان نه تنها دریک مقطع تاریخی، بلکه در طول تاریخ مورد رسیدگی و احترام قرار می گیرد و فضایی برای تقویت روحیه انسانها و ارتقای روحانی آنها خواهد شد (پورجعفر، ۱۳۸۲: ۵۱).

اصالت داشتن و دارای الگو بودن یکی از معیارهای زیبایی ماندگار است. اصالت زاییده عوامل کمی نیست بلکه کیفیات است که فضا را در یک محیط تشکیل می دهد(نقی زاده و امین زاده،۱۳۸۲: ۹۹). درک تفاوت بین اصالت(ریشه داری) و حس مکان مسئله اصلی در تدوین راهبرد مواجهه با این پدیده است. برای احساس ریشه دار بودن ضرورت سکونت دراز مدت نسل های متمادی در یک مکان مطرح نیست، بلکه صرفا داشتن زندگی خوش و یکنواخت و بی علاقگی به جهان بیرونی لازمه امر است. چنین احساسی نه گذشته را خاص می کند و نه مکان های گذشته را و به همین سبب ، حفظ و احیا اهمیتی کمتر می یابد و مفهوم خود را از دست می دهد. اما ایجاد حس مکان و حفظ آن نیازمند تقویت آگاهی تاریخی و حفظ مکان های تاریخی است تا هویتی خاص را به وجود آورد(رضازاده، ۱۳۸۴: ۱۲۶).

ارزش ها و بحث اصالت ارزشی جوامع مخاطب هر محله در هر فرهنگ و آئینی متفاوت است. ارزش هویتی مربوط به رابطه احساسی جامعه نسبت به اماکن خاص و شامل شاخصه هایی چون قدمت، سنت، تداوم، یادبود، احساسی، روحانی، سمبولیک، حماسی و ملی گرایانه است که حفظ آنها نیز در حفظ بسیاری از ارزشهای دیگر مانند احساس تعلق، هویت و شخصیت جامعه و گروه ، بسیار مؤثر خواهد بود. تداوم خاطرات به عنوان ارزش، از طریق تداوم زندگی آثار مادی و کالبدی(نشانه ها و نمادها) میسر می شود(پورسراجیان،۱۳۹۴: ۴۲). برای ماندگاری محله ، باید جسم و روح محله با هم مرتبط باشند و تصویری ماندگار را خلق کند . احساساتی از عناصر دیر آشنا، را زنده می کند و حس تعلق به فضا ایجاد می شود برای اینکه یک محله بتواند ماندگار باشد، باید بتواند در نوع خود، پاسخگوی نیازهای زمان و مکان ساکنان خود باشد.

روزآمدسازی محله ایرانی

نوگرایی مطلوب، پذیرش اصول و ارزشهای اصیل و فرهنگی و هویت بخش گذشته به همراه تجلی مطابق نیاز انسان و نیز بومی نمودن هر آنچه که از سایر تمدنها وارد شده و تزاحم با ارزشهای فرهنگی جامعه ندارد، می باشد(ناصری،۱۳۹۴: ۳۶۶). موضوع نوگرایی و نو جویی و به تبع آن نو شدن و به روز شدن موضوعاتی هستند که

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

در بسیاری از موارد در کارآمدی و تداوم مدت سکونت و به تبع آن ماندگاری طولانی مدت ساکنین در محله ها نقشی مثبت را عهده دار هستند. آنچه نیاز است، تغییر از طراحی تجریدی و بیش از حد روشنفکرانه به رویکردی بر پایه ی نیازهای روزمره و فوری مردم است(گل و سوار، ۱۳۹۴: ۵۴). به عقیده ی توسلی، هر چه مکان از دید کیفی بهتر باشد. فعالیت گزینشی بیشتری رخ می دهد. ضمن اینکه فعالیت های ضروری نیز در آن پایدار می مانند. جذابیت یک شهر را می توان با توجه به انبوه مردمی که در فضاهای همگانی آن گرد می آیند شناسایی کرد. فعالیت های اجتماعی دستاورد کیفیت و طول مدت وقوع دو فعالیت پیشین هستند(پاکزاد، ۱۳۸۸: ۴۳۷). یکی از زمینه های تنوع در شهر و فضاهای آن، نو شدن اجزا و عناصر مختلف شهر و محله از نظر نیازهای مردم و به تناسب زمان و شرایط و امکانات در دسترس و توسعه فناوری می باشد. هر تکنولوژی که وارد یک جامعه می شود باید از صافی سلیقه های فرهنگی و نظام های ارزشی آن جهت حفظ حاکمیت تمام عیار جامعه بگذرد(ناصری، ۱۳۹۴: ۳۷۵). حیات محلّه چه در حال و چه در تداوم آن در طول تاریخ بسته به حضور آدمی و ارتباط کنش مند او با محیط دارد در این عرصه محلّه ای پاسخ گو خواهد بود که نیاز انسان به حضور در فضای محلّه برای گذراندن اوقات فراغت، گردش، خرید، استراحت و ... را محقق سازد. لذا با توجّه به پیچیدگی مسائل شهری معاصرتوجّه به جنبه های اجتماع پذیری محلات اجتناب ناپذیر است (حمزه نژاد و شریفیان، ۱۳۹۵: ۸۴). مفهوم نوسازی متوازن عندلیب(۱۳۹۶) در مفهوم کلان خود به جا دادگی زمانی و مکانی و فضایی متوازن بافت در شبکه های اجتماعی، فرهنگی ، اقتصادی و کالبدی شهر تفسیر می شود(عندلیب،۱۳۹۶: ۱۹۱). انسان به حکم موجودی اجتماعی، برای برخورداری از آسایش و تأمین آرامش و امنیت خود به دیگران نیازمند است و همین نیازها ایده‌ی تعاون و مشارکت با دیگران را در او ترغیب و گاه مجبور می‌سازد. مشارکت اجتماعی، برخلاف نگاه غرب‌گرایانه که بر بعد فردی و رضایت طرفین تمرکز نموده است؛ دیدگاه اسلامی به مؤلفه‌هایی ازجمله تعاون، روحیه‌ی وقف، جهاد و انفاق به‌عنوان مراتب بالای مشارکت تأکید دارد(قره بگلو و همکاران،۱۳۹۷).

روش تحقیق

این پژوهش رویکرد کیفی داشته و سوال محور است. نظریه زمینه ای روشی کیفی است که به دنبال ساخت نظریه در مورد موضوعات حائز اهمیت در زندگی مردم است. در نظریه زمینه ای، تحقیق هرگز از یک نظریه شروع نمی شود که بعد به اثبات برسد. بلکه پس از مشخص شدن مسئله ی پژوهش و مرور ادبیات پیشین، نمونه گیری نخستین اقدام برای ورود به میدان تحقیق است(Goulding, 2002: 67). از آن روی که هیچ ایده از پیش تعیین شده ای برای تایید یا ابطال ندارد. در عوض، موضوعات مهم برای مشارکت کنندگان در پژوهش از خلال داستان هایی که درباره حوزه مورد مطالعه ظهور می یابند(بابایی و همکاران،۱۳۹۶ به نقل از Mills, Bonner & Francis, 2006, 2-3). به لحاظ اینکه از عاملان و کنشگران و گفتمان های دخیل در موقعیت موضوع صورت می گیرد و محصول نهایی خلق نظریه بر اساس رویکردی جدید می باشد(بابایی و همکاران،۱۳۹۶). در این روش، نمونه گیری به صورت هدفمند ۵ محله مختلف شناخته شده، با حداکثر اختلاف برای در نظر گرفتن کلیه عوامل تأثیرگذار صورت می گیرد. هر یک از محله های انتخاب شده متعلق به دوره شکل گیری و سبک شهرسازی متفاوتی هستند که در شرایط حاضر نیز در دوره های متفاوت روند توسعه ی شهری خود هستند.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

قلمرو مکانی این پژوهش عبارتند از: ۳ محله ی در شهر تهران : ۱- محله عودلاجان در مرکز تاریخی منطقه ۱۲تهران، با پیشینه ی جمعیتی اعیان نشین دوران قاجار شکل گرفته است. خانه های حیاط چشمه، ۲- محله نارمک ناحیه ۴ منطقه ۸ در شرق تهران از دهه ی ۳۰ با قشر عمدتا کارمند و اجاره نشین در آپارتمان های ۲-۴ در نظام شهرسازی محله های مدرن و برنامه ریزی شده است و۳- محله ی اکباتان ناحیه ۳ منطقه ۵ در غرب تهران از دهه ی ۵۰ به صورت شهرک مدرن از پیش طراحی شده، قرار دارد. ۴- محله ی فهادان در منطقه ۱ و مرکز شهر یزد از پیش از اسلام به عنوان محله ای قدیمی و ارگانیک بوده است.. ۵- محله ی جلفا در ناحیه ۳ منطقه ۵ شهر اصفهان از دوره شاه عباس صفوی به عنوان محله ای مسکونی برای ارامنه مهاجر در نظر گرفته شده است شکل (۱).



شکل(۱) معرفی تصویری فضاهای شهری محله های مورد مطالعه

جامعه آماری این پژوهش ساکنان اصلی و قدیمی محله های مورد مطالعه است. در نمونه گیری متوالی و متواتر افزایش حجم نمونه تا رسیدن به کفایت و اصطلاحا اشباع نظری ادامه می یابد(رنجبر و همکاران،۱۳۹۱: ۲۴۴) . در این روش، محقق به قاعده ای نیاز دارد تا بر اساس آن زمانی را برای توقف روند نمونه گیری و جمع آوری اطلاعات در نظر گیرد، این قاعده را اشباع نظری در اختیار قرار می دهد(فیلیک، ۱۳۸۷ :۱۳۹). مصاحبه های عمیقی که با ساکنان انجام می شود تا جایی ادامه می یابد که پاسخ ها به تکرار و همسانی(اشباع نظری) برسد. معمولا مصاحبه با ۸ نفر مطلع و با سابقه سکونت بالا به اطلاعات کلی در راستای سوال پژوهش می‌تواند دست یابد اما برای اطمینان بیشتر در هر محله بین ۱۲ تا ۲۰نفر، مصاحبه ها ادامه داشته است. سهم هریک از محله های عودلاجان ۱۷ ، نارمک ۲۳ ، اکباتان ۱۹ ، فهادان یزد ۱۵ و جلفای اصفهان ۱۲ مصاحبه است. در جدول(۳) مشخصات کلی مصاحبه شوندگان ارائه شده است.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

جدول(۳) مشخصات مصاحبه شوندگان در محله های مورد مطالعه

	جنسیت		سن					مدت سکونت در محله (سال)							نوع ملک		
نام محله	زن	مرد	۱۵-۲۰	۲۰-۳۰	۳۰-۴۵	۴۵-۶۰	۶۰سال به بالا	۱-۵	۵-۱۰	۱۰-۱۵	۱۵-۲۰	۲۰-۲۵	۲۵-۳۰	۳۰-۴۰	۴۰ سال به	آپارتمانی	اعیانی	مجتمع
اکباتان ، تهران	۴	۱۵	۰	۸	۵	۴	۲	۳	۲	۴	۱	۴	۱	۴	۰	۹	۰	۱۰
جلفا، اصفهان	۶	۶	۲	۴	۲	۳	۱	۳	۰	۰	۲	۰	۳	۲	۲	۵	۶	۱
عودلاجان، تهران	۸	۹	۳	۴	۵	۳	۲	۲	۳	۵	۰	۱	۲	۱	۳	۶	۹	۰
فهادان یزد	۸	۷	۰	۳	۹	۱	۲	۲	۱	۴	۰	۳	۱	۰	۴	۰	۱۵	۰
نارمک، تهران	۱۵	۸	۶	۱۱	۲	۲	۲	۲	۴	۳	۷	۴	۰	۰	۵	۲۱	۲	۰

معیارهای موفقیت و عدم موفقیت محله در ماندگاری و روزآمدی، از طریق پیمایش از ساکنان محله های مورد مطالعه استخراج شد. سوالاتی که به صورت سلسله مراتبی مصاحبه شونده را با موضوع پژوهش درگیر کرد. مقایسه پاسخ ها در سوالات متفاوت(گزینه ای، لیکرت و تشریحی باز)، لایه‌های پنهان ذهنیت ساکنان از معیارهای محله ماندگار روزآمد را ارائه می‌دهد.

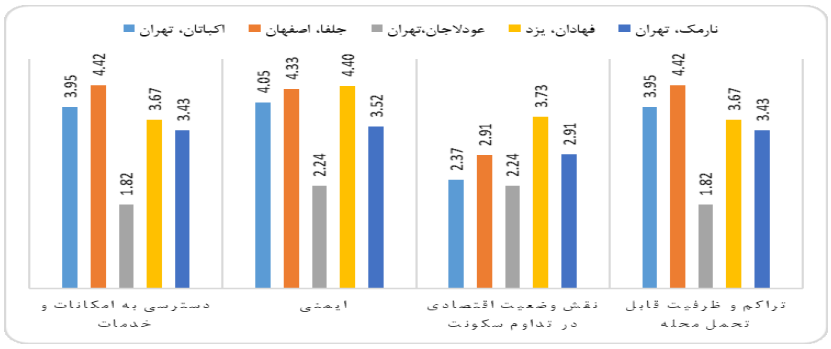
یافته های اولیه (مفهوم ها و مقوله های استخراج شده از داده ها)

مفیدترین حالت نقشه های تحلیل موقعیت زمانی به دست می آیند که محقق آزادانه و به صورتی وسیع در خصوص پژوهش بیندیشید و تمامی مولفه هایی که بر اساس داده ها و بر اساس دانسته های پیشین، صرف نظر از این که چقدر حاشیه ای به نظر می‌آیند یادداشت نماید (مسعود و بابائی، ۱۳۹۶: ۱۵۲ به نقل از Clarke,2015). در واقع به دلیل شکافی که میان نگاه نظریه پردازان و جامعه مورد بررسی وجود دارد، محقق به سراغ جامعه مورد بررسی می رود. در این باز تعریف، نقاط و مولفه هایی که از دید نظریه پردازان دور مانده است و یا کمتر توجهی به آن داشته اند نیز شناسایی می شود. داده های خام بسته به جنبه و درون مایه ادراک ذهنی ساکنان مصداق مفهومی کیفی متفاوتی را می سازد. در این مرحله، کلیه ی داده های گردآوری شده (مرور متون و اسناد در سه حوزه ی اصلی پژوهش) به همراه پیمایش میدانی انجام شده برای استخراج مفاهیم و مقوله ها مورد تحلیل قرار گرفت. ۴ مقوله « کالبدی – عملکردی»، «اجتماعی- فرهنگی»، «کیفی- معنایی» و « سیاست های کنترل و هدایت» در دسته ی ابعاد و مقوله های زمینه ای مصاحبه با ساکنان اصلی قرار گرفتند. در ادامه، جمع بندی کلی از تحلیل مصاحبه ها با ساکنان محله های مورد مطالعه در ۴ مقوله دسته‌بندی شده ارائه شده است.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

کالبدی- عملکردی

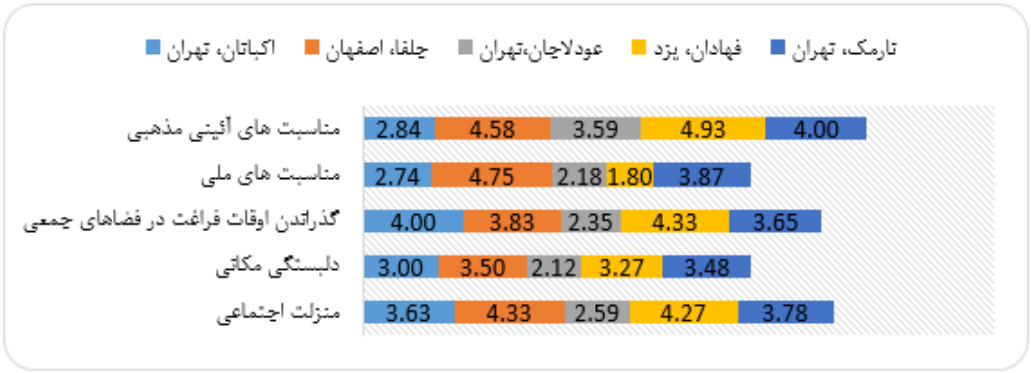
پارامترهای دسترسی به امکانات، ایمنی نقش موثری در سنجش تراکم و ظرفیت قابل تحمل محله برای بررسی نقش وضعیت اقتصادی در تداوم سکونت در محله ایفا می کنند. اما مصادیق و نتایج آن در محله های مختلف متفاوت است شکل(۲).



شکل(۲). میزان نقش مقوله های کالبدی- عملکردی از دیدگاه مصاحبه شوندگان در محله های مورد مطالعه

اجتماعی- فرهنگی

هرآنچه مرتبط به رابطه ی اجتماعی ساکنان با فضاهای جمعی محله باشد در این دسته قرار می گیرد شکل(۳).



شکل(۳)میزان نقش مقوله های اجتماعی- فرهنگی، از دیدگاه مصاحبه شوندگان در محله های مورد مطالعه

کیفی – معنایی

شهرت اکباتان به بزرگترین شهرک خاورمیانه با معماری منحصر به فرد است که با امکانات و آزادی فرهنگی بالاتر نسبت به دیگر محله ها، محله ای با امنیت و آرامش را برای ساکنان خود فراهم کرده است. همگنی اجتماعی ، دور بودن اکباتان از مرکز شهر و اختصاصی بودن محدوده شهرک برای ساکنان باعث شده است اکباتانی بودن در شهرک اکباتان با ۴۰ سال قدمت سکونت هویت محله‌ای قوی داشته باشد. جلوه این هویت در نوع و میزان سرمایه اجتماعی شکل‌گرفته در شهرک اکباتان نیز نمایان است. معاصر بودن الگوی روابط همسایگی و تنوع

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

موضوعی نهادهای اجتماعی بر فراگیری این سرمایه میان گروه‌های مختلف اعم از جوانان و نوجوانان، کودکان و کهنسالان، زنان و مردان، انتقال آن به نسل‌های جدید ساکن تاثیر بسزایی داشته است. به دلیل این شرایط، شهر ک اکباتان از تداوم سکونت برخوردار است و در میان نسل دوم این شهرک نیز تمایل به ادامه سکونت در اکباتان وجود دارد. محله ای که با فراهم کردن سطوح بالاتری از نیازهای ساکنان خود آنها را به سمت مطالبه ی معیارهای بالاتری از هرم نیازهای انسانی در سطح کنشگران و فعالان جامعه مدنی برای مطالبه حقوق شهروندی خود و حفظ روح و حس محله ی زندگی خود سوق داده است.

از ویژگی‌های بارز محله جلفا، سکونت ارامنه است. وجود نشانه ها و نمادهای مذهبی ارامنه درون محلّه موجب تقویت ویژگی فرهنگی محلّه می شود که قرارگاه های رفتاری ویژه و پاتوق محله ای را هم برای ساکنان بومی و هم برای حضور تمامی اقشار جامعه و گردشگران ایجاد کرده است. با وجود تمام خدماتی که در راستای ارتقای محور گردشگری و جذب توریست در این محله انجام شده به خاطر عدم تغییرکاربری های گسترده ی مسکونی و تأمین ، کارایی و به روز بودن تسهیلات و خدمات شهری موردنیاز ساکنان بومی، حس زندگی و تداوم سکونت در این محله جریان دارد و اگر مشکلاتی هست از بابت حضور افراد خارج از بافت و برهم زدن آرامش و عدم تناسبات فرهنگی با بومیان است. جلفا محله ای تاریخی، با ماندگاری و روزآمدسازی توأمان و کنارهم است. محله ای که توجه به ریشه های فرهنگی هیچ مانعی برای درک صحیح نیازهای ساکنان و سایر گروه های ذینفع و ذی نفوذ نداشته بلکه با بهنگام سازی و پذیرش تغییرات متناسب با زمان محله ای پویا و مانا را حفظ کرده است.

«کوچه پس کوچه ها و خانه های تاریخی، لوکیشن ثابت اغلب فیلم ها برای نشان دادن محله ی معتادها و...» اینها تمام تصویر ذهنی ساکنان از حال و هوای این روزهای محله است. عودلاجانی ها به خصوص اهالی پامنار تغییر کاربری های گسترده ی مسکونی به انبار و کارگاه ها را از عوامل اصلی فرار ساکنان اصلی و تبدیل شدن محله به محل کار و ورود افراد غیر ایرانی و معتادین به محله می دانند. اگرچه در یکی دو سال اخیر بعد از طرح ارتقای کیفیت زندگی شهرداری و نهادهای دفاتر نوسازی و شورایاری در محله با آموزش ها و فرهنگ سازی که انجام داده اند در برخی قسمت های امامزاده یحیی و یا برخی کوچه های پامنار ، پویش های مردمی اهالی قدیمی مانع تغییر کاربری های پلاک های مسکونی شده اند. اما، واقعیت اینجاست که عودلاجانی ها هم چنان در برخورداری از پایین ترین سطوح زیرساخت ها و امکانات خدماتی محله ای خود جا مانده اند و این محله پایین ترین امنیت را از سایر محله های مورد مطالعه داشته است.

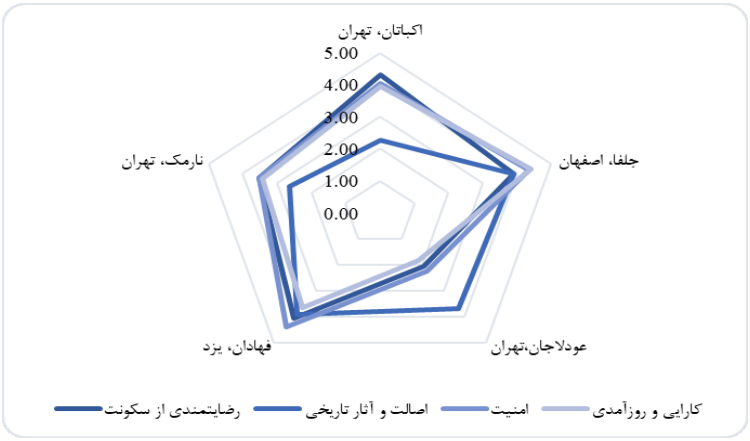
محله فهادان با وجود همه ی ویژگی های مثبت از قبیل: حفاظت تاریخی(قدمت، معماری ، معروفیت،تمیزی)، امکانات، مساجد و اماکن مذهبی، امنیت، همدلی اهالی (خودمانی بودن، احترام، همبستگی، حس تعلق به محله غیرت و مردانگی). اما به خاطر بافت موزه ای حفاظت شده ای که پیدا کرده است، محله از حالت مسکونی خارج شده است. این کم رنگ شدن سکونت واقعی، حس رکود و توقف زمان را به گردشگر منتقل می کند. از سال ۹۰ که فعالیت های اصلی ثبت جهانی بافت تاریخی شهر یزد شروع شد، بافت مسکونی محله به علت طرح های عمرانی و تغییر کاربری ها به هتل و فعالیت های پشتیبانی گردشگری از مسکونی خارج شده است. به عقیده ی اهالی « این محله به خاطر حضور و زندگی مردم است که ثبت جهانی شده اما دلال بازی ها، قیمت خانه ها را بالا برده اند و بافت مسکونی از بین رفته است». طرح مشارکت، تسهیلات و وام بازسازی خانه ها به تدریج

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

چهره‌ی محله‌ی فهادان را تغییر داد.

نقاط قوت محله نارمک عبارتند از: خیابان بندی منظم و میدان های شهری،امنیت، سر سبز بودن، حضور پذیری مردم در محله، در دسترس بودن تمام خدمات برای رفع نیاز های روزمره. به عقیده ی اهالی، « نقطه ضعف های محله، ناشی از تراکم فروشی ها و تبدیل خانه ها به آپارتمان است. از طرفی، با بازسازی میدان هفت حوض و توسعه شبکه دسترسی BRT ، وجود راسته های تجاری، ترافیک و رفت و آمد محله را نیز بالا برده است. افراد از محلات مختلف جهت گذراندن اوقات فراغت ، خرید و پرسه زنی به این محله وارد می شوند». با بالارفتن تراکم جمعیت، سکوت و آرامش سابق محله از دست رفته است.

جمع بندی سنجش مولفه های کیفی معنایی محله های مورد مطالعه، بیانگر این است که محله اکباتان امتیاز بالاتری در همه ی مولفه‌ها کسب کرده است و محله نارمک علیرغم رضایت کلی ساکنان از روزآمدی محله، به لحاظ نداشتن ابنیه تاریخی امتیاز کامل این مقوله را کسب نکرده است و نقطه مقابل آن محله عودلاجان با وجود آثار تاریخی و اصالت بالا به لحاظ عدم تأمین سایر پارامترها، بیشترین فاصله ی همگرایی را در شکل (۴) نشان می دهد. محله جلفا، به لحاظ کارایی و روزآمدی بر محله ی فهادان یزد برتری دارد.

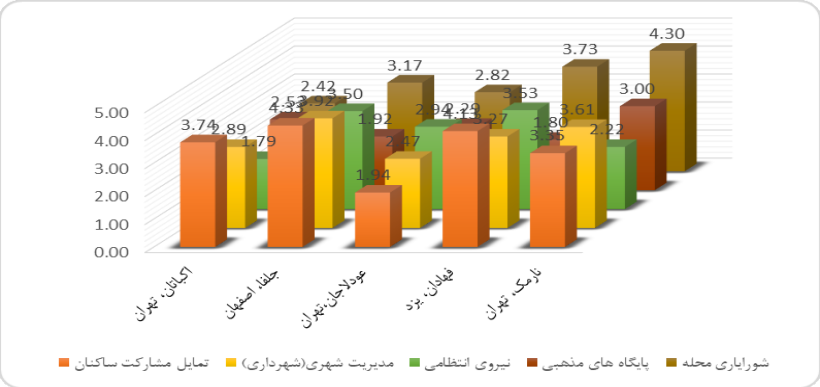


شکل(۴) بررسی میزان نقش مقوله‌های کیفی-معنایی محله‌های مورد مطالعه از دیدگاه ساکنان

سیاست‌های کنترل و هدایت

نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد، محله اکباتان با سیستم مشارکتی نوین هیأت مدیره اداره می‌شود. و محله‌های فهادان و جلفا ، پایگاه های اجتماعی مذهبی فعالی دارند. محله عودلاجان با وجود خروج زندگی، هنوز بخش هایی از آن به پشتوانه ی روحیه‌ی تعاون مذهبی از مراتب بالای مشارکت اجتماعی موثر عمل می‌کند. الگویی که در محله‌ی برنامه‌ریزی شده‌ی نارمک به نوعی دیگر از حلقه‌ی اجتماعی ساکنان قدیمی و بستر نهادسازی شهری (شورایاری محله) نمود می‌یابد شکل(۵).

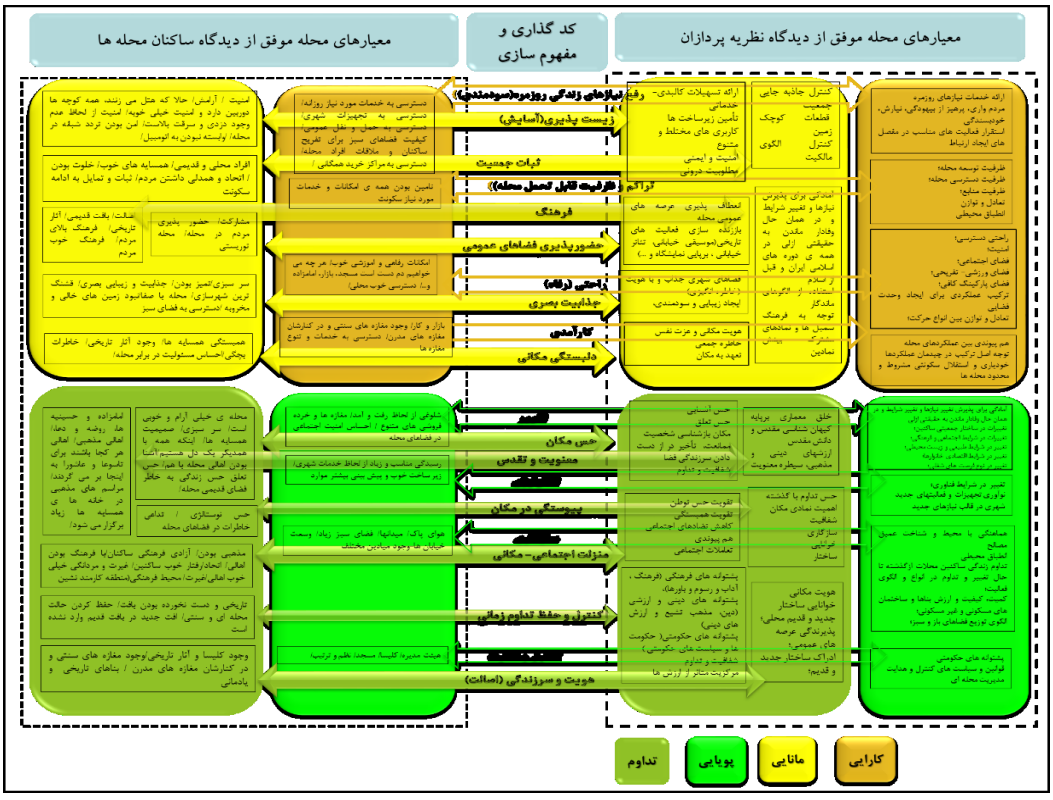
[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]



شکل (۵) میزان مشارکت پذیری نهادهای محله در مقوله ی سیاست های کنترل و هدایت

ارائه مدل مفهومی نظریه زمینه‌ای از داده‌ها

پس از پیاده سازی متن مصاحبه ها، پیام اصلی یا مفهوم کلیدی مستتر در هر یک از عبارت ها استخراج شد. در برخی جمله ها، مصاحبه شوندگان از اصطلاحاتی استفاده می کردند که مستقیماً به عنوان یک کد، قابل استفاده بود، در برخی موارد مفهومی فراتر از جملات پنهان بود که محقق با توجه به نیت گوینده، یک مفهوم را به آن نسبت داده و به صورت یک کد اولیه در نظر گرفته است شکل(۶).



شکل (۶) نقشه ساخت نیافته ی تحلیل موقعیت، مفهوم سازی معیارهای مدل مفهومی محله ماندگاری ایرانی روزآمد

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

بررسی نقش و جایگاه متغیرهای پژوهش: بستر محله به عنوان ساختاری متأثر از عوامل مختلف شکل دهنده آن (عواملی فراتر از مفاهیم کمی) به عنوان متغیر تعدیل گر تأثیری قوی بر رابطه ی بین متغیر مستقل(روزآمدسازی) و متغیر وابسته (ماندگاری) دارد. در حقیقت به نوعی کاتالیزور و متغیر مستقل ثانویه ای است که به عنوان ظرف و محدود کننده حیطه ی بررسی ارتباط دو متغیر مستقل و وابسته است.

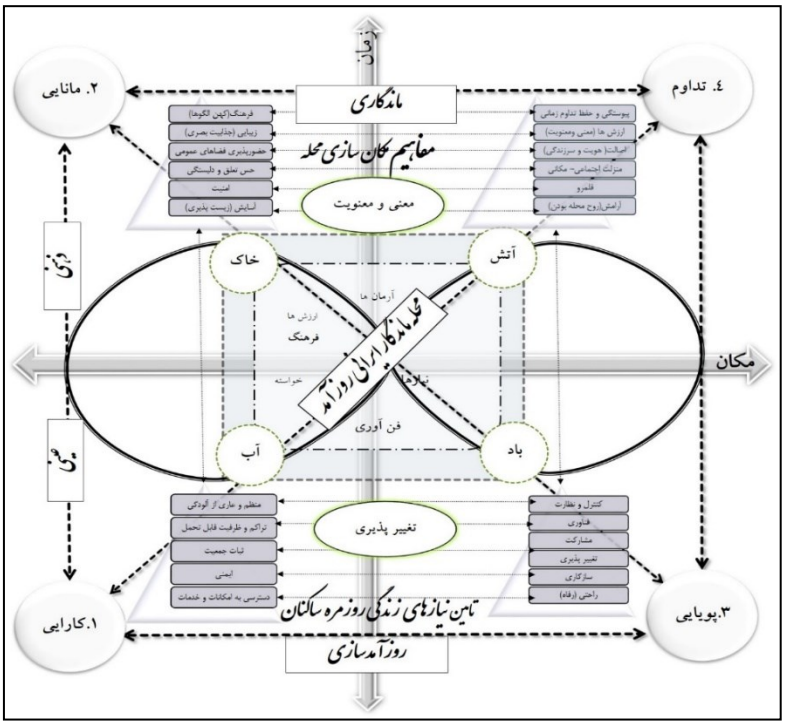
دو کهن الگوی شناخته شده در حافظه جمعی تاریخ شهرسازی ایران، اصول پیرنیا و اصل تداوم مکتب اصفهان در مفهوم سازی ماندگاری به کار گرفته شده اند. اگر آب و خاک در عناصر اربعه به عنوان سازنده جسم باشند و باد و آتش نماد سازنده ی روح باشند. کارایی و مانایی به عنوان اصول اولیه شکل گیری کالبد و جسم محله هستند. زمانی که پویایی همچون باد در این کالبد جریان می یابد محله ایرانی روزآمد شکل می گیرد. در نهایت آتش نماینده ی مفهوم انرژی و بیانگر حالات و تغییراتی است که در طی زمان با ارتقا و تکامل مداوم خود، تداوم را ایجاد می کند. اصل تداوم در مکتب اصفهان (حبیبی،۱۳۸۷)، مصداقی نزدیکتر به مفهوم ماندگاری در این پژوهش است(کیفیتی که در مکان و زمان با رفتارهای اجتماعی و فرهنگی ، تعریفی متفاوت می یابد از این به آن می شود و در این شدن، نه این است و نه آن). روزآمدسازی محله ایرانی با هدف بررسی تأمین نیازهای روزمره ساکنان با دو معیارکارایی و پویایی ارائه شده است. مفهوم کارایی در کنار به کار گیری مفهوم پویایی است که می تواند با به‌روزرسانی خود تأمین کننده‌ی نیازهای زندگی روزمره ساکنان باشد و محله ای روزآمد شکل گیرد. برآورد صحیح نیازهای ساکنان واقعی محله ها به عنوان متغیری مداخله گر در راستای تحقق روزآمدسازی عمل می کند که تأثیر مستقیمی بر ماندگاری محله ایرانی دارند. جدول (جدول(۴).

جدول(۴) معرفی نقش متغیرهای مدل مفهومی محله ی ماندگارایرانی روزآمد

مفاهیم	نوع متغیر	معیارها	زیر معیارها
ماندگاری	متغیر وابسته	مانایی	آسایش(زیست پذیری)، امنیت، حس تعلق و دلبستگی، حضورپذیری فضاهای عمومی، زیبایی(جذابیت بصری)، فرهنگ(کهن الگو)
		تداوم	آرامش(روح محله بودن)، قلمرو، منزلت اجتماعی – مکانی، اصالت(هویت و سرزندگی)، ارزش ها(معنی و معنویت)، پیوستگی و حفظ تداوم زمانی
محله ایرانی	متغیر تعدیل گر	خودبسندگی	ارائه خدمات تأمین نیازهای روزمره ساکنان، خدمات و زیرساختهای عمومی شهری (اعم از بوستان محله ای ، واحدهای پزشکی مستقل و ...)
		مردم واری	تفکیک فضایی گروه های اعتقادی متمایز، هویت بخشی به اعضای محله یادگیری و توانمند سازی زنان و اقشار مختلف
		قلمرو	تأمین امنیت و ایمنی، نظم در محله، برقراری نظارت اجتماعی، خود مختاری و استقلال نسبی ساکنان
		هم پیوندی	حفظ انسجام اجتماعی،رفاه و مشارکت،اداره امور محله و....
نیازهای ساکنان	متغیر مداخله گر	ضروری- کارکردی	تأمین نیازهای روزمره ساکنان، تأمین ایمنی، امنیت و نظم در محله
		اجتماعی	ساماندهی فضایی- اجتماعی، مرکزیت متأثر از ارزش ها، مدیریت و کنترل
		گزینشی- تفریحی	منحصر به فرد بودن، محله ای از نظر بصری نظام یافته و کنترل شده
روزآمدسازی	متغیر مستقل	کارایی	دسترسی به امکانات و خدمات، ایمنی، ثبات جمعیت، تراکم و ظرفیت قابل تحمل، منظم و عاری از آلودگی
		پویایی	راحتی (رفاه)، سازگاری، تغییر پذیری، مشارکت، فناوری، کنترل و نظارت

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

در نهایت جمع بندی کدگذاری و مفهوم سازی داده ها به صورت الگوی شماتیکی از نقشه تحلیل موقعیت به صورت مدل مفهومی نظریه محله ماندگار ایرانی و روزآمد شکل گرفت شکل (۷).



شکل(۷). مدل مفهومی نظریه محله ماندگار ایرانی روزآمد به روش نقشه تحلیل موقعیت نظریه‌ی زمینه‌ای

ارزیابی نظریه برآمده از داده‌ها

در پژوهش‌های کمی از مفاهیم روایی و پایایی برای ارزیابی پژوهش‌ها استفاده می‌شود. با وجود این، مفاهیم یاد شده به آن شکل در پژوهش کیفی معنا ندارد. استراس و کوربین درباره معیارهای ارزیابی نظریه زمینه محور سه جنبه مطرح کرده اند: نخست قضاوت درباره قابل اعتماد و قابل اعتبار بودن داده ها، دوم ارزیابی رضایت بخش بودن روند تحقیق و سوم قضاوت درباره مبنای تجربی یافته های تحقیق(استراس و کوربین، ۱۳۸۷: ۲۵۱). آنها هفت سوال را به منزله معیاری برای ارزیابی و میزان تجربی بودن یافته ها مشخص می کنند. آنچه که در پاسخ به سوالات برای ارزیابی مدل مفهومی این پژوهش ارائه شده است به شرح ذیل می باشد.

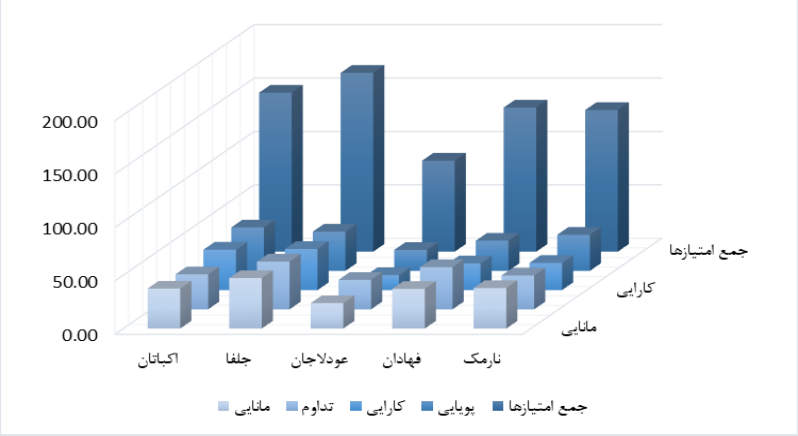
در روند کار با داده ها و پس از کدگذاری، از کنار هم گذاشتن کدهای مرتبط و مشابه از مقایسه تطبیقی متون نظری و مصاحبه های عمیق با ساکنان، واژه های انتزاعی، مفاهیم به وجود آمده اند. که این مفاهیم به طور منظم و سلسله مراتبی با یکدیگر در ارتباط بوده اند. استفاده از نقشه تحلیل موقعیت یا مدل مفهومی کمک کرده است که ارتباط هایی بین ۴ معیار اصلی و زیرمعیارهای هر کدام در درون و بیرون برقرار شود. گردآوری داده ها از منابع متفاوت کمک کرده است تا تنوع در نظریه حاصل شود. این گردآوری ها از مصاحبه های با ساکنان و اسناد و متون نظری این امکان را فراهم کرده است که شرایط وسیع تری منظور شود.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

سنجش محله های مورد مطالعه بر اساس مدل

این مدل مفهومی به عنوان چک لیست آسیب شناسی برای سنجش محله در ماندگاری و روزآمدی عمل می کند. بدین ترتیب که در هر محله ای که بتواند با تأمین نیازهای اولیه زندگی روزمره ساکنان خود از قبیل دسترسی به امکانات و خدمات ، ایمنی شرایط لازم برای حفظ جمعیت ثابت را که با تراکم و ظرفیت قابل تحمل خود در محیطی منظم و عاری از آلودگی فراهم کند به اصل کارایی دست یافته است. این شرایط عینی پیش زمینه ای برای رفتن به مرتبه ای بالاتر و ذهنی تحت عنوان مانایی در محله ماندگار ایرانی روزآمد است. همچنان که اصول به ترتیب به سمت تکامل و تداوم پیش می روند. درون سیستم نیز هر یک از معیارها رابطه ی سطری و ستونی با معیار متناظر خود در اصول مجاور دارند. برای مثال معیار دسترسی به خدمات و امکانات در اصل کارایی وقتی به لحاظ ذهنی در اصل مانایی مطرح می شود از دیدگاه ساکنان با عنوان آسایش ویژگی زیست پذیری محله را بیان می کند که در محله هایی مانند نارمک که این امکانات متنوع و به روز ارائه می شوند طبق اصل پویایی با عنوان راحتی و رفاه از گویه های ساکنان استخراج شد و زمانی که در طی زمانی طولانی تر در سطح کیفیت بالاتری قرار داشته باشد با عنوان آرامش و حس محله بودن از دیدگاه ساکنان محله ای مانند اکباتان استخراج می شود.

تحلیل مصاحبه‌ها و امتیازدهی چک لیست، در سه محله تاریخی مورد مطالعه نشان می دهد، صرف حفظ کالبد بافت تاریخی و یا تکرار کهن الگوها، دلیل بر ماندگاری و زنده بودن بنا نخواهد بود. ماندگاری بدون روزآمدسازی بی معناست. بافت پامنار از محله عودلاجان علیرغم وجود بناهای واجد ارزش تاریخی به دلیل کمبود امکانات و موانع مختلف ساکنان خود را از دست داده است. از سوی دیگر ثبت جهانی محله فهادان یزد را اگرچه سرپا نگه داشته است اما چندان پاسخگوی نیازهای نسل جدید ساکنان نیست. ولی به عقیده ی اهالی محله جلفای اصفهان ، تحول سبک زندگی کنونی منافاتی با ماندگاری و روزآمدی محله ندارد. چرا که الگوهای سنتی و مدرن کنار هم در این محله وجود دارند. ساکنان محله ها برای برخورداری از آسایش و تأمین آرامش و امنیت خود به دیگران نیازمندند . بنابراین باید پذیرفت، هر قدر هم سبک زندگی متفاوت و متحول شود، راهکار آن بیرون از پشتوانه‌های اطلاعاتی زندگی روزمره جامعه انسانی قابل ترسیم نخواهد بود شکل(۸).



شکل(۸) بررسی امتیازدهی محله‌های مورد مطالعه بر اساس معیارهای مدل محله ماندگار ایرانی روزآمد

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد محله از دیدگاه ساکنان، فارغ از مفاهیم وسیع تعریف شده از دیدگاه صلب نخبه گرایانه ، بیشتر در شاخص های غیر کالبدی و ذهنی ساده (مفاهیمی چون دسترسی به خدمات و امکانات، همدلی اهالی، امنیت، آرامش، اصالت، آسایش، رفاه و مفاهیمی از این قبیل ...) نمود می یابد. تنوع هسته ی شکل گیری و ساختار ۵ محله ی متفاوت مورد مطالعه این امکان را فراهم کرد که ابعاد و سطوح متفاوت تری از اصول و معیارهای لازم برای شکل گیری محله ی ماندگار ایرانی روزآمد استخراج شود. مدل مفهومی برآمده از این داده ها (بر پایه اصول: کارایی، مانایی، پویایی و تداوم) ، به عنوان یک مدل بومی قابلیت کاربرد چک لیستی توسط سنجش‌گر را داراست.

با آسیب‌شناسی صحیح می توان راهکار مناسب تر هر معیار در محله ی مورد بررسی ارائه کرد تا محله دوباره بتواند به چرخه ی حیات بازگردد. به عنوان مثال، مردم محله ای که نیازهای اولیه خدمات و زیرساخت های شهری تأمین نشده باشد و به خاطر ایمنی و امنیت خود دچار مشکلات باشند. احساس نیاز به نوسازی را ندارند. دغدغه اصلی این ساکنان تأمین نیازهای اولیه برای حیات و ماندن است. با بالا رفتن کیفیت زندگی ساکنان، منزلت اجتماعی سکونت ارتقاء می یابد. این افزایش انگیزه ها ساکنان را به تحولات محله حساس تر می کند و به سمت نقش پذیری سوق خواهد داد. باید خارج از نگاه تبلیغاتی، از طرق مختلف اعم از آگاهی بخشی ، آموزش شهروندی، احساس نیاز به تغییر رویکردها از طرف مردم هم احساس شود تا با طرح ها هم پا و هم سو شوند بهنگام سازی و محیط زندگی صورت پذیرد.

منابع

ارباب، پارسا؛ عزیزی، محمدمهدی و زبردست ، اسفندیار.(۱۳۹۳). **واکاوی ارتباط مدت زمان سکونت با شکل گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید مطالعه موردی: منطقه ۲۲ تهران**، فصلنامه مطالعات شهری، ۳(۱۲):۵۹-۷۲.

ازکیا، مصطفی و محمدی بندری، زینب.(۱۳۹۰). **بازتعریف مفاهیم محله و محله آرمانی از دید ساکنان کلان شهر تهران (محله های آریاشهر، تهران پارس، امام زاده یحیی)** ، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۳(۳):۷-۲۳.

استراس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۸۷). **اصول روش تحقیق کیفی: نظریهٔ مبنایی، رویه ها و شیوه ها**، ترجمهٔ بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

الکساندر،کریستوفر.(۱۳۸۶). **معماری و راز جاودانگی**، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی. تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

اهری، زهرا.(۱۳۹۴). **شناسایی ساختار ثانویه شهر ایرانی در دوره قاجاریه**، هنرهای زیبا،۲(۳):۲۳-۳۴.

بابایی سالانقوچ، مسعود؛ زمانی، احسان و ربیعی، محمد و بهادر.(۱۳۹۶). **تحلیل موقعیت به مثابه روشی برای پژوهش درباره شهر اسلامی**. فصلنامه شهر ایرانی اسلامی،۷(۲۷):۱۷-۲۸.

پاکزاد،جهانشاه.(۱۳۸۸). **سیراندیشه‌ها در شهرسازی (۳) از فضا تا مکان**، انتشارات شهیدی.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

پرویزی، الهام؛ بمانیان، محمدرضا و مهدوی نژاد، محمد جواد.(۱۳۹۵). **شناسایی معیارهای ذهنیت اصیل در معماری جدید بافت های با ارزش تاریخی در جهت ارتقای هویت کالبدی بافت تاریخی (نمونه موردی بافت تاریخی عودلاجان محله امامزاده یحیی)**، دو فصلنامه مرمت و معماری ایران(مرمت آثار و بافت های تاریخی فرهنگی)، ۶(۱۱):۶۵-۷۵.

پورجعفر، محمدرضا.(۱۳۸۲). **جاودانگی در شهرسازی با نگاهی به شهر رم**، ماهنامه شهرداری ها،(۵۴). ۲۰-۳۰.

پورسراجیان، محمود.(۱۳۹۴). **ارزش‌های محله تاریخی و معیارهای تغییر در آن از نظر ساکنان** ، مجله باغ نظر،۱۲(۳۵):۳۹-۵۲.

تلخابی، حمیدرضا؛ شماعی، علی؛ داودپور، زهره و شکیبایی، اصغر.(۱۳۹۵). **تحلیلی بر بافت های سنتی و جدید و ارائه شاخص های بومی برنامه ریزی توسعه شهری مطالعه موردی؛ بافت تایخی و شهرک امیرکبیر اراک**، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی ، ۷(۲۵):۷۱-۸۲.

ثقه الاسلامی،عمیدالاسلام؛ امین زاده، بهناز.(۱۳۹۲). **بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی**،مجله هویت شهر،۷(۱۳):۳۳-۴۴.

حبیبی، سید محسن.(۱۳۸۷). **مکتب اصفهان در شهرسازی**، مجله هنرهای زیبا،(۳).

حبیبی، کیومرث و روحانی چولانی، الهام.(۱۳۹۴). **ارزیابی کیفی تغییر عناصر شهر کهن ایرانی به شهر مدرن در جهت احیای مکان‌های شهری با هویّت ایرانی – اسلامی**، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی،۶(۲۱):۵-۱۸.

حمزه نژاد، مهدی و شریفیان، زهرا.(۱۳۹۵). **ارزیابی تطبیقی معیارهای سنتی و جدید اجتماع پذیری و تحقق آن در دو محله سنتی و جدید(مطالعه موردی: محله جلفا، سپاهان شهر اصفهان)** ، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی ، ۷(۲۶):۷۱-۸۷.

دایموند ، جان ، لیدل، جوسی، ساوترن،آلن و اوزی، فیلیپ (۱۳۹۳). **مدیریت بازآفرینی شهری، چشم انداز جهانی**، ترجمه مجتبی رفیعیان، تهران، دانشگاه تهران.

رضازاده،راضیه.(۱۳۸۴). **تقابل اصالت و حس مکان**، فصلنامه فرهنگستان هنر،(۱۶): ۱۲۶-۱۳۹.

رلف، ادوارد.(۱۳۸۹). **مکان و بی مکانی**، ترجمه: محمدرضا نقصان محمدی و دیگران،تهران: آرمان شهر.

رنجبر، هادی؛ حق دوست، علی اکبر؛ صلصالی، مهوش؛ خوشدل، علی رضا؛ سلیمانی، محمدعلی و بهرامی، نسیم. (۱۳۹۱). **نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع**، مجله دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۰(۳): ۲۳۸-۲۵۰.

شفیعیان داریانی، فائزه؛ پورجعفر، محمدرضا و قبادی،علیرضا.(۱۳۹۳). **مفهوم ماندگاری در معماری اسلامی و مقایسه آن با مفهوم پایداری در معماری معاصر**، فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی، ۲(۴):۳۲-۴۸.

عندلیب، علیرضا و ابراهیمی، محمدرضا (۱۳۹۷). **کاربست‌های مدل مفهومی نوسازی متوازن بافت‌های فرسوده شهری**. ماهنامه علمی پژوهشی باغ نظر، ۱۵(۶۵): ۸۲-۶۷.

عندلیب، علیرضا.(۱۳۹۶). **نظریه نوسازی متوازن بافت‌های فرسوده شهری**، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات ، تهران.

غلامی، سعید؛ مشکینی، ابوالفضل و دویران، اسماعیل.(۱۳۹۴). **طراحی فضایی محلات شهری با تأکید بر اصول**

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

دین اسلام در شهر ایرانی-اسلامی(مطالعه موردی :محله شهدای شهر زنجان)، نشریه هویت شهر، ۹(۲۲):۴۱-۵۲.

فلاحت، محمد صادق؛ کمالی، لیلا و شهیدی، صمد.(۱۳۹۶). **نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری**. مجله باغ نظر، ۱۴(۴۶): ۱۵-۲۲.

فیلیک، اووه.(۱۳۸۷). **درآمدی بر تحقیق کیفی**، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.

قره بگلو، مینو، توکلی، بهروز، بلالی اسکویی، آزیتا و سینمار اصل ،رعنا (۱۳۹۷). **مفهوم مشارکت در محیط از منظر اندیشه ی اسلامی و اندیشه ی غربی**. مجله پژوهش های معماری اسلامی،۶(۱).

کارمونا ، متیو؛ هیت، تیم؛ اک، تنر و تیسدل، استیون.(۱۳۸۸). **مکان‌های عمومی فضاهای شهری**،مترجمان: قرایی ، فریبا؛ شکوهی، مهشید؛ اهری، زهرا و صالحی ، اسماعیل ، تهران، دانشگاه هنر.

کامیار، مریم؛ تقوایی، علی اکبر و خزائی، رضا.(۱۳۹۶). **بازآفرینی اندیشه اسلامی در دگرگونی مسکن تهران**. فصلنامه نقش جهان، ۷(۱): ۱۳-۲۰.

گل، یان و سوار ، بریجت.(۱۳۹۴). **چگونه زندگی همگانی را مطالعه کنیم؟**،مترجم ها : مصطفی بهزادفر، محمد و احمد رضا ندوشن، انتشارات علم و معمار، تهران،دانشگاه شهید بهشتی.

مختاباد، سید مصطفی؛ حبیب، فرح و شعاعی، حمیدرضا.(۱۳۹۰). **گفتمانی تحلیلی در ماندگاری حسینیه ها به مثابه کنش پذیری عملکردی فضاهای عمومی شهری در بازتاب باورها و آیین های جمعی**. دوفصلنامه ی مدیریت شهری،۹(۲۸):۲۴۱-۲۵۴.

مسعود ، محمد و بابائی، احسان.(۱۳۹۶). **گفتارهایی پیرامون شهر و شهرسازی اسلامی**، تهران، آذرخش.

میبدی، مونا و پورمحمدی، محمد رضا.(۱۳۹۵). **بررسی اصول و معیارهای پایداری در محلات مسکونی به منظور ایجاد ارتباط بین بافت قدیم و جدید شهر نمونه موردی محلات فیض آباد و شهرک شهید نجفی کرمانشاه**، دو فصلنامه ی مدیریت شهری،(۴۳):۲۴۹-۲۶۲.

ناسخیان،شهریار.(۱۳۹۲). **بهسازی برای ماندگاری بافت قدیم اصفهان از طریق بررسی مولفه ها و دیدگاه های زیبایی شناختی**، پایان نامه دکترای تخصصی، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده حفاظت ، مرمت اشیاء ابنیه تاریخی، اصفهان.

ناصری، سارا. (۱۳۹۴). **کاربست تکنولوژی و بحران هویت در معماری معاصر ایران در عصر جهانی شدن و ارائه راهکارهای برون رفت از وضع موجود**، دو فصلنامه ی مدیریت شهری،۱۴(۴۱):۳۵۹-۳۸۰.

نقره کار، عبدالحمید؛ حمزه نژاد، مهدی و فروزنده؛ آیسان. (۱۳۸۸). **راز جاودانگی آثار معماری (تحلیلی بر نگرش های نوگرا و فرانوگرا و رویکرد های فراگیرتر)**، مجله باغ نظر، ۶(۱۲):۳۱-۴۴.

نقی زاده ، محمد و امین زاده، بهناز. (۱۳۸۲). **مفهوم و مراتب فضای کیفی**، فصلنامه فرهنگستان هنر،(۸):۹۸-۱۱۹.

نوربرگ شولتز، کریستین.(۱۳۸۸). **روح مکان: به سوی پدیدارشناسی معماری**، ترجمه محمدرضا شیرازی تهران، رخداد نو.

هاشم‌پور، رحیم. (۱۳۹۵). **معماری و شهرسازی اسلامی در فرم یا در معنا**، فصلنامه معماری سبز، ۲(۳): ۱۱-۱۸.

هیأت وزیران.(۱۳۹۵). **دستورالعمل محله بندی و منطقه بندی شهری** ۹۵/۱۱/۲۳.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]

Clarke, Adele E (2007), **Grounded theory: Critiques, debates, and situational analysis**, The Sage handbook of social science methodology, 423-442.
Goulding, Ch. (2002), **Grounded Theory: A Practical Guide for Management**, Business and Market Researchers, Sage Publications.
Ledrut, R (1979), **Sociologies urbanize**, Paris, PUF.
Lynch, K, (1972).**Openness of open space, in Banerjee**, T, and South worth, M. (1990) (Eds), City sence and City Design: Writings and project of Kevin Lynch. MIT press, Cambridge, Mass.
Mills, J; Bonner, A, & F, Karen (2006), **the development of constructivist grounded theory**, International journal of qualitative methods, 5(1).
Pérez, M and Cannella, G. S (2013), **Situational analysis as an avenue for critical qualitative research: Mapping post-Katrina New Orleans**, Qualitative Inquiry, 19(7).
Rappaport. A (2001) .**The role of neighborhoods in the success of citie. Paper presented at the WSE symposium** "Defining success of the city in the 21 century", Berlin.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.11.1]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.103]